

دکتر راجر گرین، اصلاحات تا به امروز، سخنرانی ۶، الهیات کالوین

راجر گرین و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر راجر گرین در دوره تاریخ کلیسا با عنوان «اصلاحات تا به امروز» است. این جلسه ششم در مورد الهیات کالوین است.

خب، به سفرمان ادامه می‌دهیم. بیایید دعا کنیم و سپس شروع کنیم.

پروردگارا، دوباره در آغاز هفته‌ای دیگر توقف می‌کنیم و از این بابت سپاسگزاریم و در انتظار اینکه معلمان خوبی برای یکدیگر باشیم، از یکدیگر بیاموزیم و سعی کنیم این مطالب را درک کنیم و آن را در قلب و زندگی خود به کار ببریم و از این طریق با آن کار کنیم، سپاسگزاریم. ما از افرادی که به تو، به کتاب مقدس، به کلیسای تو، به خاطر بدن مسیح اینجا بر روی زمین وفادار هستند، سپاسگزاریم؛ ما از آنها سپاسگزاریم.

افرادی مانند جان کالوین کسانی هستند که اکنون در مورد آنها صحبت می‌کنیم. و بنابراین ما دعا می‌کنیم که شما نه تنها در این بحث‌ها در این کلاس، بلکه در تمام کلاس‌های ما امروز و در طول هفته و تمام رویدادهایی که در گوردون اتفاق می‌افتد، با ما باشید و بدن مسیح از این طریق تقویت شود، بلکه ما نیز به عنوان افراد برای یادگیری، برای رفاقت با یکدیگر، برای زندگی اجتماعی خود تقویت شویم، تا شما در این نوع رشد، این نوع بلوغ به ما کمک و یاری کنید. بنابراین، با شکرگزاری در قلب‌هایمان برای آغاز این هفته، از شما سپاسگزاریم و این چیزها را به نام مسیح، پروردگاران، دعا می‌کنیم. آمین.

بسیار خب، امیدوارم هفته خوبی داشته باشید، و ما تقریباً به جایی که باید باشیم رسیده‌ایم. این سخنرانی دوم است، الهیات جان کالوین.

خب، ما زندگی کالوین و سپس آثارش را بررسی کردیم. درباره آنچه در آثارش مهم بود صحبت کردیم و بعد درباره الهیاتش. خب، فقط برای یادآوری، چون چند روزی بیشتر با هم نبودیم، فقط برای یادآوری، مقدمه‌ای نسبتاً طولانی درباره الهیاتش ارائه دادیم، و به‌ویژه نکته مهم اینجا این است که به مؤسسات و دلیل شکل‌گیری و شکل‌گیری آنها توجه کنیم، و همچنین به آنچه که او را آگاه کرد و آنچه که او مؤسسات را شکل داد و غیره.

خب، ما کمی در مورد این موضوع صحبت کردیم. کاری که ما سعی داریم انجام دهیم این است که به مسائل الهیاتی که او با کلیسای کاتولیک روم اختلاف نظر داشت، بپردازیم. به یاد داشته باشید، کلیسای کاتولیک روم او را مانند لوتر طرد نکرد.

او به خواست خودش کلیسای کاتولیک رومی را ترک کرد و به جنبش اصلاحات و غیره پیوست. اما مسائل خاصی وجود داشت، چیزهای خاصی که او با آنها مشکل داشت، و یکی از آنها آموزه آنها در مورد نوع بشر بود. ما در مورد آن صحبت کردیم.

دوم، آموزه خدا، درک آنها از خدا. ما در مورد آن صحبت کردیم. سوم، درک کلیسا خواهد بود.

اگر فقط می‌توانستید به من یادآوری کنید، طبق مفهوم کلیسا، فکر می‌کنم آخرین کاری که باید انجام می‌دادیم صحبت در مورد خدمت کلیسا بود. ما در مورد حرفه صحبت کردیم، اینطور نیست؟ و در مورد کهنات همه مؤمنان صحبت کردیم. ما بین این دو چیز تمایز قائل شدیم.

درست است؟ همه متوجه شدند؟ و بعد در مورد اینکه او چگونه برای کشیش، کسی که به طور حرفه‌ای کشیش بود، احترام قائل بود، صحبت کردیم. او برای آن نقش احترام زیادی قائل بود و غیره. اساساً، دو مقام وجود داشت: مقام کشیش-معلم و مقام شماس.

گفتیم؟ گفتیم. و اینجا تمام شد. اینجا تمام شد.

خیلی خوبه. این ما را به این سمت هدایت می‌کند که ما هنوز تحت شماره چهار، یعنی دکتین کلیسا هستیم، و این ما را به سمت مقدسات هدایت می‌کند. بنابراین، ما تحت کلیسا هستیم، و او وقتی در مورد کلیسا صحبت می‌کند، باید به ماهیت مقدسات پردازد.

خب، این بحث را تمام می‌کند، و بعد به تقدیر و دو پادشاهی می‌رسیم. خب، بیایید در مورد آیین‌های مقدس صحبت کنیم. اولین نکته این است که کالوین هفت آیین مقدس کلیسای کاتولیک روم را انکار کرد.

خواهیم دید که وقتی به شورای ترنت در سخنرانی بعدی می‌رسیم، کلیسا تا الان تقریباً روی هفت آیین مقدس به توافق رسیده است. و کالوین منکر وجود هفت آیین مقدس شد. کالوین گفت که دو آیین مقدس وجود دارد.

یکی آیین غسل تعمید است، و یکی آیین عشای ربانی. این دو آیین، دو آیین مقدس هستند. حالا، چرا او می‌گوید فقط دو آیین مقدس وجود دارد؟ بر اساس چه چیزی؟ بر اساس کتاب مقدس.

بر اساس کتاب مقدس، او هیچ حکمی برای پنج آیین مقدس دیگر در کتاب مقدس پیدا نکرد. او فقط برای این دو آیین حکمی یافت. بنابراین، بلافاصله، به نوعی، شروع به بحث با کلیسا در مورد تعداد آیین‌های مقدس می‌کند.

حال، باید توجه داشته باشیم که در مورد مقدسات، یک نفر بود که او در مورد مقدسات در سنت، اصلاح‌شده، سنت پروتستان، با او به نوعی اختلاف نظر داشت و آن زوینگی بود. او در مورد مقدسات رویکردی میانه اتخاذ خواهد کرد. او اساساً رویکردی میانه بین مفهوم کاتولیک رومی از مقدسات، و به ویژه شام خداوند، و مفهوم زوینگی از مقدسات، به ویژه شام خداوند، اتخاذ خواهد کرد.

زوینگی پروتستان بود، بنابراین به غسل تعمید و عشای ربانی اعتقاد داشت. اما در جناح کاتولیک رومی، در جناح زوینگی، زوینگی آیین‌های مقدس را نمادین می‌دانست. اینها نماد هستند.

ما به عنوان یک نماد غسل تعمید می‌دهیم. ما شام خداوند را به عنوان یک نماد برگزار می‌کنیم. اما آنها نمادین بودند. به یک معنا، آنها فقط نمادین بودند.

کالوین این را باور نداشت. کالوین معتقد بود که در غسل تعمید و شام خداوند چیزی فراتر از صرفاً این است. که غسل تعمید و شام خداوند نماد چیزی هستند. در اینجا چیزی بسیار فراتر از این در جریان بود.

بنابراین، او با زوینگی بحث می‌کند. همچنین، البته، وقتی صحبت از کلیسای کاتولیک روم می‌شود، وقتی صحبت از شام خداوند می‌شود، او با کلیسای کاتولیک روم بحث می‌کند زیرا در شام خداوند، در حالی که زوینگی معتقد بود که این فقط نمادین است، کلیسای کاتولیک روم آموزش می‌دهد که عشای ربانی در واقع بدن و خون مسیح است. به معنای واقعی کلمه بدن و خون مسیح بود.

وقتی که توسط کشیش، به نوعی، متبرک اعلام شد، به بدن و خون مسیح تبدیل شد. حال، کالوین نمی‌توانست این را در مورد عشای ربانی باور کند. بنابراین، به آن تبدل جوهر می‌گویند.

ما قبلاً در مورد آن صحبت کرده‌ایم، اما استحاله جوهری زمانی است که ماده در واقع به بدن و خون مسیح تبدیل می‌شود. حال، کلیسای کاتولیک روم تعلیم می‌دهد که اعراض یکسان باقی می‌مانند. و این اعراض بیرونی هستند: بوی نان می‌دهد، طعم نان می‌دهد، شبیه نان است، بوی شراب می‌دهد، طعم شراب می‌دهد، شبیه شراب است.

اینها تصادفات هستند. این ظاهر بیرونی نان و شراب در الهیات کاتولیک رومی است. این ظاهر بیرونی نان و شراب است.

اما جوهر آن تغییر کرده است و جوهر آن به بدن و خون مسیح تبدیل شده است. بنابراین، کاری که کالوین انجام می‌دهد، به یک معنا، یک راه میانه را در پیش می‌گیرد، زیرا تا آنجا که به او مربوط می‌شود، کلمه دیگری وجود دارد که احتمالاً قبلاً در مورد آن صحبت کرده‌ایم یا به آن اشاره کرده‌ایم، و آن کلمه اسکولاستیک است. تا آنجا که به او مربوط می‌شود، این مفهوم کاتولیک رومی از استحاله جوهری از یک سنت فلسفی اسکولاستیک می‌آید.

او استحاله جوهری را مطابق کتاب مقدس نمی‌دانست. بنابراین، او احساس می‌کند که این نیز نمونه دیگری از استدلال فلسفی صرف بر اساس برخی آموزه‌های کتاب مقدس است. بنابراین، کالوین غسل تعمید و عشای ربانی را در نظر می‌گیرد، اما مطمئناً بین زوینگی و کاتولیک‌های رومی، موضعی میانه اتخاذ می‌کند.

اگر بتوانم، اجازه دهید فقط به تک تک آنها اشاره کنم. وقتی صحبت از غسل تعمید می‌شود، از نظر کالوین، غسل تعمید به معنای ورود به جامعه جدید است. شما به جامعه جدید برده می‌شوید.

شما اینجا روی زمین به بدن مسیح وارد می‌شوید. غسل تعمید برای کالوین فقط یک تجربه شخصی نیست. این تجربه‌ای برای جامعه است زیرا این جامعه‌ای است که شما را احاطه کرده و عهد بسته است که شما را به شباهت مسیح پرورش دهد و غیره.

بنابراین، غسل تعمید برای کالوین بسیار مهم بود، و این آیین آغازین بود. حال، وقتی صحبت از شام خداوند می‌شود، او کمی بین زوینگی و لوتر در مورد شام خداوند موضع می‌گیرد. باز هم، برای زوینگی، شام خداوند فقط یک یادبود است.

این فقط نمادین است، نه برای کالوین. برای کالوین، اتفاق بسیار مهمی اینجا در حال رخ دادن است.

مسیح در شام خداوند برای کالوین حضور دارد. بسیار خوب. حالا، این چه فرقی با لوتر دارد؟ لوتر این را در شام خداوند تعلیم داد، و برخی از شما ممکن است تمام سنت‌هایتان را ندانید.

بعضی از شما ممکن است پیشینه لوتری داشته باشید. شاید هم داشته باشید. و اگر پیشینه لوتری دارید، این را می‌دانید، یا باید بدانید.

اما لوتر تعلیم داد که وقتی شما در مراسم شام خداوند شرکت می‌کنید، مسیح از آسمان نازل می‌شود و در آن مراسم با شما می‌ماند. بنابراین، او حضور دارد. او کاملاً حضور دارد.

در مراسم عشای ربانی لوتر، حضور واقعی مسیح وجود دارد. خب. کالوین از راه می‌رسد و می‌گوید، خب، من با زوینگی مخالفم.

اینجا فقط یک بنای یادبود نیست. فقط یک خاطره نیست. واقعاً اتفاق دارد می‌افتد.

اما از طرف دیگر، من در این مورد با لوتر مخالف خواهم بود. دلیل مخالفت من با لوتر این است که از نظر کالوین، مسیح هنوز هم در دست راست خدای پدر نشسته است. بنابراین، شما نمی‌توانید مسیح را در دست راست خدای پدر داشته باشید و همچنین هر بار که مراسم عشای ربانی یا شام خداوند برگزار می‌شود، او را نیز داشته باشید.

کالوین گفت، پس اینطور نیست. بنابراین، وقتی صحبت از شام خداوند می‌شود، این چیزی است که کالوین به آن اعتقاد داشت. کالوین معتقد بود که شام خداوند شما را به حضور مسیح می‌برد.

حالا، شما نمی‌توانید این را با دلیل و منطق توجیه کنید. شما نمی‌خواهید یک فرد مدرسی باشید و بگویید، من دقیقاً به شما می‌گویم که چگونه این اتفاق می‌افتد. اما برای کالوین، وقتی شما در مراسم عشای ربانی شرکت می‌کنید، به نوعی در حضور مسیح هستید زیرا به آن حضور برده شده‌اید.

بنابراین، او در میان اصلاح‌طلبان کمی میانه‌روی کرد. او کمی میانه‌روی بین زوینگی را برگزید؛ این فقط یک یادبود است، و لوتر و مسیح نازل شده‌اند. کالوین گفت، نه، من اینجا بین این دو قرار می‌گیرم.

من می‌گویم که شما به مسیح ایمان آورده‌اید، اما ما نمی‌توانیم این را تعریف کنیم. اما شما آن را با ایمان باور دارید. بنابراین، بدون شک، این دو آیین برای کالوین واقعاً مهم بودند.

و بنابراین، او از نظر تعداد با کلیسای کاتولیک روم مخالف است، از نظر کل ماجرای تبدیل جوهر با کلیسای کاتولیک روم مخالف است، و به نوعی، غسل تعمید و شام خداوند را تغییر شکل می‌دهد. خب، این درک او از کلیسا، همه آن نوع مسائل مربوط به کلیسا، در مورد زندگی کلیسا است. آیا در مورد این موضوع، در مورد تفکر او در مورد کلیسا و زندگی کلیسا، مناصب کلیسا، مقدسات کلیسا یا از این قبیل چیزها سوالی وجود دارد؟ سوالی دارید؟ بله.

بله. برای کالوین، غسل تعمید به منزله ورود به یک جامعه جدید است. شما به یک جامعه جدید برده می‌شوید.

و این بدن مسیح اینجا روی زمین است. اما این یک تجربه خصوصی برای این کودک نیست زیرا او مانند لوتر به غسل تعمید نوزادان اعتقاد داشت. این یک تجربه خصوصی نیست، بلکه تجربه‌ای برای جامعه است.

بنابراین، تمام جامعه شهادت می‌دهند و قول می‌دهند که این کودک را با ایمان و غیره بزرگ کنند. اما این نوعی مراسم آغازین است. آیا این از نظر... بله، کمی می‌کند؟

خب، اگر پیشینه‌ی شما پرزبیتی یا کالوینیستی است، شاید در نوزادی غسل تعمید گرفته باشید. شاید در پایان دوره بتوانیم بفهمیم که پیشینه‌ی شما چیست، آیا غسل تعمید گرفته‌اید و غیره. سوال دیگری در مورد کلیسا دارید؟ بسیار خب.

خب، بالاخره در طول زندگی باید در مورد تقدیر صحبت کرد. این بحث با جان کالوین است، پس اینجا به آن می‌پردازیم. خب، در مورد تقدیر، چطور قرار است در مورد دکترین تقدیر از نظر کالوین صحبت کنیم؟ قبل از اینکه به سراغ دکترین دو پادشاهی برویم، چیزهای زیادی هست که باید در مورد آن بگویم.

خب، قبل از اینکه این کار را بکنیم، کلاس را به دو قسمت تقسیم می‌کنم. شما هر جا که هستید بنشینید

و من باید اینجا قضاوت کنم. نمی‌دانم. فکر می‌کنم چون دو زن خوب این طرف هستند، باید این قضاوت را بکنم.

خب، بیایید کلاس را به دو قسمت تقسیم کنیم. و بعد فقط می‌خواهم این را توضیح دهم. و بعد به توضیح دکترین تقدیر ازلی او می‌پردازم.

این طبقه به دو قسمت تقسیم شده. خب. از این طرف، شما مردم از قبل از شروع زمان، قبل از خلقت توسط خدا مقدر شده‌اید که نجات پیدا کنید و رستگار شوید.

از طرف دیگر، شما مردم، از قبل خلقت، توسط خدا مقدر شده‌اید که نفرین شده باشید، زیرا کالوین به انتخاب دوگانه اعتقاد داشت، همانطور که خواهیم دید. بنابراین، نگرش شما نسبت به این افرادی که نجات یافته‌اند و در کلیسا هستند، باید چگونه باشد؟ نگرش شما باید چگونه باشد؟ نگرش شما باید این باشد که خوشحالم که فیض خدا به این شکل زیبا در زندگی آنها عمل کرده است. شما باید اینجا شاد باشید.

حالا، آیا احتمالاً در حال شادی هستید؟ نه، بعید است که در این جمع شادی کنید. و همچنین، این واقعیت، که احتمالاً شادی نمی‌کنید نشان می‌دهد که خدا در مورد نفرین کردن همیشگی شما درست می‌گفت. بنابراین او در انتخابش درست می‌گفت زیرا شما خیلی غرغرو هستید.

حالا، نگرش شما نسبت به این گروه باید چگونه باشد؟ نگرش شما باید چه باشد؟ اگر لطف خدا نبود، من اینجا بودم. اما به لطف خدا، شما انتخاب شده‌اید. و نگرش شما نیز این است که، همانطور که به این افرادی که برای لعنت شدن انتخاب شده‌اند نگاه می‌کنید، متوجه می‌شوید که همه باید به جهنم فرستاده شوند.

این واقعیت که خدا برخی از مردم را نجات داده، یک معجزه است. پس حالا، بیایید دوباره همه شما را دور هم جمع کنیم، و بیایید کلاس را اینجا از هم جدا نکنیم. اما این یک انتخاب دوگانه است.

خب، چطور می‌خواهیم به این موضوع پردازیم؟ اول از همه، با بیان سه نکته مقدماتی که توجه به آنها مهم است، به آن می‌پردازم. و سپس، سعی خواهیم کرد به برخی از ویژگی‌های مطلق دکترین تقدیر ازلی او پردازیم. خب، سه نکته مقدماتی.

اولاً، این مهمترین آموزه کالوین نیست. شما نباید جان کالوین را بر اساس آموزه تقدیر ازلی‌اش قضاوت کنید. زیرا احتمالاً با آن موافق نیستید. شاید برخی از شما موافق باشید.

نمی‌دانم. اما احتمالاً با آن موافق نخواهید بود. اما نباید کالوین را با این آموزه قضاوت کنید.

این دکترین واقعاً در اعماق مؤسسه دفن شده است. شما قبل از اینکه به دکترین برگزیدگی او برسید، صدها صفحه خواهید خواند. بنابراین، باید این را به خاطر داشته باشید.

این مهم است. کالوین را فقط با این آموزه قضاوت نکنید. آموزه‌های شگفت‌انگیز دیگری هم وجود دارد و غیره.

خب، این اولین نکته است. خب. نکته دومی که باید به آن توجه کنید این است که به این می‌گویند انتخاب مضاعف، چون سنت آگوستین به تقدیر ازلی اعتقاد داشت.

مارتین لوتر به تقدیر ازلی اعتقاد داشت. با این حال، آنها به تقدیر ازلی، یعنی انتخاب کسانی که قرار بود نجات یابند، اعتقاد داشتند. بنابراین نوعی تقدیر ازلی واحد وجود داشت.

چپ‌ها به نوعی به حال خود رها شده بودند. آنها آن تصور تیزبینانه از انتخاب دوگانه‌ای که کالوین داشت را نداشتند. بنابراین کالوین از راه می‌رسد و به آگوستین اعتقاد پیدا می‌کند.

او به لوتر اعتقاد دارد. اما گفت که ما باید این را دقیق‌تر کنیم. ما باید این را واضح‌تر و کتاب مقدسی‌تر تعریف کنیم.

بنابراین، او به انتخاب دوگانه اعتقاد دارد، نه فقط انتخاب آگوستین یا لوتر. بنابراین، ما باید به این نکته توجه کنیم. بسیار خب.

و سومین نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم این است که در این آموزه، کالوین واقعاً معتقد است که از شرافت خدا و آزادی خدا محافظت می‌کند. او از، اگر بخواهید از این کلمه استفاده کنید، دفاع می‌کند، از شرافت خدا دفاع می‌کند، و وقتی در مورد تقدیر صحبت می‌کند، از آزادی خدا دفاع می‌کند. بسیار خب.

با توجه به این سه نکته، بیایید در اینجا نکاتی را در مورد تقدیر الهی بیان کنیم. اول از همه، کالوین نمونه کاملی از کسی است که قبل از آغاز جهان برگزیده شده است. او یک نمونه کامل است.

و آن نمونه کامل کیست؟ عیسی مسیح. مسیح نمونه کامل برگزیدگی است. بنابراین، ما کسی را درست جلوی چشمان خود داریم.

او گفت که مسیح آینده برگزیدگی است. بنابراین، اگر می‌خواهید به تقدیر اعتقاد داشته باشید، لازم نیست خیلی دور را نگاه کنید. فقط به مسیح نگاه کنید زیرا او آینده برگزیدگی است.

و بنابراین همه چیز از آنجا شروع شد. بنابراین، نکته دیگری که می‌خواهیم در مورد این آموزه به آن توجه کنیم، این است که چگونه گزینش به ایمان مربوط می‌شود. این برای جان کالوین بسیار مهم می‌شود. چگونه گزینش به ایمان مربوط می‌شود؟ خب، اول از همه، یک فرد انتخاب می‌شود و سپس خداوند به او موهبت ایمان می‌دهد تا آن گزینش را بپذیرد.

بنابراین، چگونه گزینش به ایمان مربوط می‌شود؟ گزینش ابتدا می‌آید و سپس ایمان به عنوان هدیه‌ای از جانب خدا به دنبال آن می‌آید. بنابراین، از نظر کالوین، اینطور نیست که همه ایمان داشته باشند که بتوانند به خدا و آنچه خدا انجام می‌دهد ایمان داشته باشند. خیر.

تنها کسی که ایمان دارد، کسی است که برگزیده شده و می‌تواند گزینشی را که خدا به او عطا کرده است بپذیرد. بنابراین، گزینش یک موهبت است، و ایمان نیز یک موهبت است. بنابراین این دو چیز برای کالوین بسیار خوب هستند، به نوعی با هم همراه هستند.

بسیار خوب، نکته دیگری که باید به آن توجه کنیم خود این آموزه است. رابطه‌ی برگزیدگی و اعمال نیک چیست؟ خب، از نظر کالوین، برگزیدگی هیچ ربطی به اعمال نیک ندارد. هر کسی که برگزیده شده است، و من دیگر به این بخش از کلاس اشاره نمی‌کنم چون همه شما را به عنوان مقدسین خوب خدا در کنار هم قرار می‌دهیم، اما هر کسی که برگزیده شده است، به خاطر اعمال نیکش برگزیده نشده است.

خدا آنها را طبق اراده‌ی حاکمانه‌ی خود انتخاب می‌کند. او آنها را به خاطر اینکه کار خوبی انجام می‌دهند، یا چون آدم‌های خوبی هستند یا چیزی شبیه به این انتخاب نمی‌کند. حال، وقتی آنها انتخاب شدند، خدا شما را حفظ کند، و اعمال نیک از آن انتخاب پیروی خواهد کرد.

آنها می‌خواهند کارهای نیک انجام دهند چون فرزندان خدا هستند، اما برای یافتن خدا کارهای نیک انجام نمی‌دهند. حال، این جایی است که کالوین واقعاً به شدت به کل سیستم توبه در کلیسای کاتولیک روم حمله کرد، زیرا احساس می‌کرد که کل سیستم توبه نوعی کار نیک است که در آن مردم کارهای نیک انجام می‌دهند تا خدا را پیدا کنند یا در رحمت خدا بمانند یا چیزی شبیه به آن. کالوین این را دوست ندارد.

او فکر نمی‌کند که از این موضوع راضی باشد. بنابراین، انتخابات و کارهای خوب با هم همراه هستند، اما در نتیجه با هم همراه هستند. کارهای خوب پس از انتخاب شما اتفاق می‌افتند.

نکته دیگری که کالوین از نظر آموزه مطرح می‌کرد این بود که آیا می‌توانی مطمئن باشی که فرزند خدا هستی؟ آیا می‌توانی مطمئن باشی که یکی از برگزیدگان هستی؟ او این را به زبان خودش بیان می‌کند. و پاسخ این است که بله، می‌توانی. می‌توانی مطمئن باشی، و سپس پاسخ با شهادت روح القدس بود.

هر مؤمنی می‌تواند با شهادت روح القدس اطمینان خاطر داشته باشد. بنابراین، آموزه برگزیدگی، به تعبیری برای کالوین، این بود که به مردم آموزه‌ای از اطمینان خاطر بدهد، یا نه آموزه‌ای از اطمینان، بلکه به مردم این احساس اطمینان را بدهد که آنها واقعاً فرزندان خدا هستند. این بخشی از دلیل وجود این آموزه است.

حالا، برگردیم به چیزی که قبلاً گفتیم. یکی از شعارهای دوران اصلاحات چه بود؟ عادل شمردگی از طریق ایمان. اما شعار دیگر چه بود؟ اطمینان خاطر.

اصلاح طلبان متقاعد شده بودند که آن کاتولیک‌های رومی قرون وسطی، که خود نیز بخشی از آن بودند متقاعد شده بودند که آن افراد اطمینان ندارند که فرزندان خدا هستند. کالوین می‌خواهد به مردم اطمینان خاطر بدهد. او می‌خواهد آنها بدانند که برگزیدگان خدا هستند.

بنابراین، این شهادت روح القدس بسیار بسیار مهم می‌شود. بسیار خوب، ما قبلاً این را گفته‌ایم، اما آن افرادی که در کل این آموزه نفرین شده‌اند، افرادی که نفرین شده‌اند، چرا نفرین شده‌اند؟ آنها به خاطر گناهانشان نفرین شده‌اند. آنها به خاطر شورش علیه خدا نفرین شده‌اند.

از آنجا که تمام بشریت در حال شورش علیه خداست، بنابراین واقعیت این است که تمام بشریت باید توسط خدا لعنت شوند. این واقعیت که او هر کسی را برای رستگاری انتخاب می‌کند، خارق‌العاده است.

این به جلال اوست که قرار است این کار را انجام دهد. اما کالوین، در کل این آموزه برگزیدگی، کل داستان گناه و شورش ما علیه خدا و اینکه ما به نوعی سزاوار مجازات خدا هستیم و غیره را مطرح می‌کند. همه ما سزاوار آن هستیم، اما به لطف خدا، برخی از مردم برای رستگاری برگزیده می‌شوند، بنابراین آن را ندارند.

بسیار خوب، این نکته‌ی دیگری است که باید به آن توجه کنیم. تمام این تقدیر به جلال خداست. حال، به یاد داشته باشید که گفتیم او قبلاً تحت تأثیر نومیالیست‌ها بوده است، اما ما نومیالیسم و فلسفه را به یاد داریم و او به نوعی تحت تأثیر نومیالیست‌ها بوده است.

اما با آموزه‌ی برگزیدگی، او از نومیالیسم جدا می‌شود. تنها جایی که او با نومیالیست‌ها مخالفت کرد، کجا بود؟ آیا نوع نومیالیست‌های الهیاتی و جایی که او از آنها جدا شد را به خاطر دارید؟ و این جدایی اینجا خواهد بود. این جدایی اینجا در آموزه‌ی برگزیدگی خود را نشان خواهد داد.

بسیار خوب، فقط برای تکرار، تنها جایی که او از آنها جدا می‌شود، جایی است که به نومیالیست‌ها آموخته شده که اراده خدا، اراده خداست، مهم نیست چه باشد. اراده خدا، اراده خداست، و درست است، مهم نیست در مورد آن چه فکر می‌کنید. این اراده خداست.

و می‌بینید، کالوین با این مخالف بود. او این را در کتاب مقدس نمی‌بیند. او می‌گوید اراده خدا درست است، اما دلیل اینکه ما می‌دانیم درست است این است که از طریق عدالت به وقوع می‌پیوندد.

با رحمت و محبت آشکار می‌شود. بنابراین اراده خدا از این طریق برای کالوین نشان داده می‌شود.

بنابراین، او قرار نیست مثل آن اسمی‌گرا بگوید که اراده‌ی خدا، اراده‌ی خداست. این درست است، مهم نیست چه باشد. فقط باید به آن ایمان داشته باشید، و نه، او قرار نیست این را بگوید.

او می‌خواهد بگوید که تقدیر و گزینش درست هستند زیرا عدالت خدا را نشان می‌دهند. عشق خدا را نشان می‌دهند. به نوعی رحمت خدا را نشان می‌دهند.

بنابراین اینجاست که او از نومیالیست‌ها جدا می‌شود. او سعی می‌کند در این مورد بیشتر به کتاب مقدس بپایند باشد. بنابراین، از نظر کالوین، خدا خودسرانه نیست.

ببینید، نومیالیست‌ها خدای دلخواهی داشتند. خدا هر کاری که دلش بخواهد انجام می‌دهد، همین. هیچ سوالی نپرسید.

یه جورایی خدای خودسر. از نظر کالوین، خدا خودسر نیست. این کاری که او انجام می‌دهد خودسر نیست.

ما باید سعی کنیم تا جایی که می‌توانیم اراده خدا را در اینجا از نظر انتخاب و تقدیر بفهمیم، و ما همه چیز را نخواهیم فهمید. اما از سوی دیگر، ما خود را به نوعی خودسرانه در مورد کار خدا تسلیم نمی‌کنیم. نه، اینجا چیزی در حال وقوع است که باید سعی کنیم آن را بفهمیم، اما نمی‌توانیم همه چیز را بفهمیم.

شکی در این نیست. شما نمی‌توانید تمام اراده خدا را در مورد انتخاب شدن درک کنید. اگر سعی کنید همه چیز را بفهمید، کالوین این را گمانه‌زنی بی‌هوده می‌نامد.

به نقطه‌ای از گمانه‌زنی‌های بی‌هوده می‌رسید، نمی‌توانید همه چیز را بفهمید. حالا، فقط چند نکته دیگر اینجا هست. حالا، رابطه بین برگزیدگی و پیش‌دانی چیست؟ چون خدا همه چیز را از پیش می‌داند، اینطور نیست؟ رابطه بین برگزیدگی و پیش‌دانی چیست؟ خب، کالوین فکر می‌کرد صحبت در مورد این موضوع مهم است.

برای کالوین، انتخاب حرف اول را می‌زند. انتخابات حرف اول را می‌زند. او کسانی را که قرار است نجات یابند، انتخاب می‌کند.

او کسانی را که قرار است هلاک شوند، انتخاب می‌کند. و چون این کار را کرده، از پیش می‌داند چه کسی نجات می‌یابد و چه کسی هلاک می‌شود. می‌بینید، برخی افراد سعی می‌کنند با این آموزه طوری برخورد کنند که انگار خدا از پیش می‌داند چه کسی نجات می‌یابد و چه کسی هلاک می‌شود، زیرا او همه چیز را در زمان حال با ایمان آنها می‌بیند و بنابراین، انتخاب می‌کند.

بنابراین، برخی می‌گویند که پیش آگاهی مقدم است، و چون او از پیش می‌داند، انتخاب می‌کند. کالوین گفت نه، این وارونه است. راه درست برای درک این موضوع این است که انتخاب مقدم است، و چون او اکنون انتخاب شده است، از پیش می‌داند زیرا پیش از خلقت جهان، انتخاب را انجام داده است.

حالا، یک نکته‌ی آخر. باید بدانید که همه از آموزه‌ی کالوین در مورد برگزیدگی راضی نبودند. حتی افرادی بودند که به آموزه‌های دیگر کالوین اعتقاد داشتند، اما از آموزه‌ی برگزیدگی چندان راضی نبودند.

سوال این است که چرا آنها خوشحال نبودند؟ مشکلات آنها با آموزه برگزیدگی چه بود؟ بسیار خوب، سه مشکل وجود داشت. بنابراین، حتی در زمان کالوین، سه نوع استدلال اصلی علیه این آموزه وجود داشت. خب، اولین مورد توسط یکی از پیروان کالوین، تئودور بزا، ارائه شده است.

بگذارید اینجا به سراغ دورین مستند بروم. اولین مورد این بود که این نسل دوم بزا پس از کالوین بود، بنابراین نوعی اصلاح طلب نسل سوم. این دکترین برگزیدگی بزا است.

به پایین صفحه توجه کنید. نوشته شده نمودار تئودور بزا، توالی منطقی رستگاری بشر را نشان می‌دهد و فرامین الهی گزینش را نشان می‌دهد، البته همه به زبان لاتین. خب، این هم از اینجا.

حالا، فقط با نگاه به این، آیا این به نظر یک درک ساده‌ی روحانی و کتاب مقدسی از برگزیدگی می‌رسد که مرد پشت نیمکت آن را درک کند؟ فکر نمی‌کنم. فکر نمی‌کنم. فکر می‌کنم رمزگشایی از این چیز برای شما یک عمر طول بکشد.

اما دکترین تقدیر کالوین به همین جا ختم شد. از قضا، کالوین سعی داشت از مکتب مدرسی دوری کند، و مکتب مدرسی آن نوع دنیای قرون وسطایی است که سعی می‌کند همه چیز را بفهمد، مثلاً اینکه چند فرشته روی سر یک سنجاق می‌رقصند. در حالی که او سعی می‌کرد از مکتب مدرسی دوری کند، پیروانش این دکترین را به روش‌های بسیار بسیار دقیقی توضیح دادند.

و این به مردی که روی نیمکت نشسته کمکی نمی‌کند. این یک چیز روحانی برای کمک به فرد روی نیمکت نیست؛ همه چیز به لاتین و غیره نوشته شده است. پس این اولین نکته است.

به نظر می‌رسد چیزی که کالوین می‌خواست از آن دوری کند، اسکولاستیسم بود، و چیزی که مردم او که سعی در دفاع از دکترین تقدیر داشتند، به آن دچار شدند، اسکولاستیسم بود. بنابراین، به نظر می‌رسد تلاش بیز برای توضیح این دکترین بسیار مفصل‌تر از آن چیزی است که کتاب مقدس به ما اجازه می‌دهد. بنابراین، این نمونه کاملی از این موضوع است.

این نوع انتقاد شماره یک است. خب، انتقاد شماره دو از کالوین در زمان خودش در مورد این دکترین این است که در حالی که او فکر می‌کرد این دکترین به مردم اطمینان زیادی می‌دهد، در واقع نتیجه‌ی عکس داد. این باعث اضطراب زیادی در مردم شد زیرا مردم همیشه می‌گفتند که مردم برای نجات انتخاب شده‌اند. مردم برای لعنت انتخاب شده‌اند.

شاید من یکی از نفرین‌شدگان باشم. شاید من یکی از نجات‌یافتگان نباشم. در هر صورت، فقط خدا می‌داند.

اما اگر اینطور فکر می‌کنید، این خیلی اطمینان‌بخش نخواهد بود. خب، حالا ما یک مثال تاریخی خوب از این داریم، و آن مارتین لوتر است. وقتی مارتین لوتر به دکترین تقدیر ازلی اعتقاد داشت، وقتی مارتین لوتر شروع به فکر کردن در مورد دکترین تقدیر ازلی در مورد خودش کرد، این به او هیچ اطمینانی نداد.

او واقعاً فکر می‌کرد که یکی از نفرین‌شدگان است. بنابراین، این خود لوتر است که این آموزه را تعلیم می‌داد، نه مانند کالوین، زیرا او انتخاب مضاعف را تعلیم نمی‌داد، بلکه خود لوتر است که این آموزه را تعلیم می‌داد، و با این حال احساس می‌کند که برای نفرین شدن انتخاب شده است. هیچ تضمینی برای لوتر وجود ندارد.

حالا، لوتر مجبور بود خدا را از راه‌های دیگری پیدا کند، اما هیچ تضمینی برای لوتر وجود نداشت. بنابراین این دومین نکته است، تضمین. کالوین معتقد بود که این به مردم اطمینان می‌دهد، اما می‌دانید، این باعث غم و اندوه بسیاری از مردم شد.

خب، و نکته سوم. سومین انتقادی که حتی در زمان کالوین شروع شد، از نوع انتقاد خودش بود: اگر شما انتخابات دوگانه را ترویج دهید، چه نوع درکی از خدا دارید؟ آیا این خدای کتاب مقدس است؟ مردم شروع به پرسیدن این سوال کردند. آیا خدای کتاب مقدس خدایی است که این کار را انجام می‌دهد، مردم را برای رستگاری انتخاب می‌کند، مردم را برای لعنت انتخاب می‌کند، به آنها آزادی پاسخ دادن نمی‌دهد و غیره؟ بنابراین، این شروع به زیر سوال بردن ماهیت خدایی کرد که کالوین به تصویر می‌کشید.

بنابراین اینها سه نوع واکنش بودند که به کالوین نشان داده شد، و ما قرار است شاهد بروز این واکنش‌ها در قرن بعدی، در قرن شانزدهم، قرن هفدهم و قرن هجدهم باشیم. خواهیم دید که آنها چگونه به وقوع پیوستند. خب، این آموزه‌ی تقدیر است.

جایی، وقتی درباره کالوین صحبت می‌کنید، باید درباره گزینش هم صحبت کنید. اینجا جای طبیعی این کار است، چون او به نوعی دارد به یک مفهوم کاتولیک رومی پاسخ می‌دهد که گزینش را آموزش نمی‌دهد، مفهوم کاتولیک رومی که می‌گوید هر کاری از دستتان برمی‌آید انجام دهید، در حالی که درون خودتان هستید، و خدا شما را رستگار خواهد کرد، و غیره. خب، سوالی در این مورد دارید؟ بگذارید از این بحث خارج شوم و به لپ‌تاپ برگردم، که به آن نیاز خواهم داشت.

اما سوالی در مورد این موضوع، در مورد اینکه تا اینجا کجا هستیم، دارید؟ ما یک کار دیگر با کالوین داریم که باید انجام دهیم. خب، یک کار نهایی. این دکترین کالوین در مورد دو پادشاهی است.

خب، دکترین دو پادشاهی. و ما اینجا چه کار می‌کنیم؟ خب، پس این دو پادشاهی چه هستند؟ یکی پادشاهی خدا و دیگری نظم مدنی که در آن زندگی می‌کنیم. پس شما پادشاهی خدا را دارید که عیسی در انجیل مرقس در ابتدای خدمتش گفت، پادشاهی خدا نزدیک است.

توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید. بنابراین، شما پادشاهی خدا را دارید. و از طرف دیگر، شما حکومت مدنی را دارید که تحت آن زندگی می‌کنید.

حال، هر مسیحی در هر دوی این پادشاهی‌ها زندگی می‌کند. هر مسیحی از یک سو در پادشاهی خدا زندگی می‌کند، اما از سوی دیگر در پادشاهی روزمره، پادشاهی بشریت، نیز زندگی می‌کند. بنابراین، تا آنجا که به کالوین مربوط می‌شود، این دو پادشاهی متمایز هستند.

شما نباید این دو پادشاهی، پادشاهی خدا و پادشاهی بشریت را با هم اشتباه بگیرید. خدا خالق هر دو پادشاهی است، اما شما نباید آنها را با هم اشتباه بگیرید. بسیار خوب، و گروهی از مردم بودند که آنها را با هم اشتباه می گرفتند.

آنها به عنوان آناپتیتست‌ها شناخته می شدند. آناپتیتست‌ها آن دو پادشاهی را گرد هم آوردند و پادشاهی خدا برای آناپتیتست‌ها به حکومت مدنی تبدیل شد. و کالوین می گوید که نباید این دو پادشاهی را با هم اشتباه بگیرید.

ما باید درباره پادشاهی خدا صحبت کنیم. ما باید درباره پادشاهی بشریت صحبت کنیم. هر دو پادشاهی توسط خدا مقرر شده‌اند، اما اگر این پادشاهی‌ها را با هم اشتباه بگیرید، به دردمند خواهید افتاد.

بنابراین، کالوین باید بین این دو پادشاهی تمایز قائل شود. حال، چیزی که کالوین در مورد پادشاهی بشریت نمی‌خواهد، وقتی شما در این دنیای روزمره زندگی می‌کنید، تحت حکومت مدنی زندگی می‌کنید، و او تحت حکومت مدنی زندگی می‌کرد، چیزی است که او نمی‌خواهد، اطاعت افراطی از حکومت مدنی است. از یک طرف، شما نباید آنقدر مطیع حکومت مدنی باشید که آنها را به خاطر بی‌عدالتی‌هایشان سرزنش نکنید.

اما از طرف دیگر، او هرچ و مرچ نمی‌خواهد. او نمی‌خواهد هر کسی فقط کار خودش را بکند. خب، او سعی داشت چه کار کند؟ من سعی می‌کنم یک راه میانه را انتخاب کنم.

خب، حالا، پادشاهی خدا، فکر می‌کنم درک آن خیلی آسان است. پادشاهی خدا، زندگی در مسیح، بدن مسیح، کلیسا، و زندگی شما در کلیسا. فکر نمی‌کنم لازم باشد زیاد در مورد کالوین و اینکه او سعی دارد به چه چیزی برسد، صحبت کنیم.

اما در مورد پادشاهی بشریت، بیایید در مورد آن صحبت کنیم. اساساً، تا جایی که به او مربوط می‌شود، ما قرار است در مورد حکومت مدنی صحبت کنیم. ما قرار است در مورد زندگی مدنی صحبت کنیم.

ما قرار است درباره زندگی در این دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم صحبت کنیم. همانطور که گفتم، فکر نمی‌کنم لازم باشد زیاد درباره زندگی در پادشاهی خدا صحبت کنیم. خدا شما را در کلیسا و غیره برکت دهد.

اما فکر می‌کنم صحبت کردن در مورد زندگی در دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، وقتی صحبت از کالوین می‌شود، بسیار مهم است. خب، اول از همه، تا جایی که به او مربوط می‌شود، دولت مدنی دو وظیفه اصلی دارد. حالا به یاد داشته باشید، او در روزگاری متفاوت از روزگار ما، از دنیای ما زندگی می‌کند.

با این حال، دولت مدنی دو وظیفه اصلی دارد. یک وظیفه مدنی حفظ نظم عمومی است. بنابراین این وظیفه دولت مدنی است.

این تغییر نکرده است. این در مورد فرهنگ غرب صادق است که رئیس جمهور ایالات متحده قرار است نظم عمومی را حفظ کند. و این همان کاری است که از دولت مدنی خواسته شده است انجام دهد.

باشه؟ چه کسی سروتوس را در آتش سوزاند؟ کالوین بود یا دولت مدنی؟ دولت مدنی بود. و آنها به چه دلیلی این کار را کردند؟ برای حفظ نظم عمومی. زیرا بدعت، فروپاشی نظم عمومی بود.

بنابراین مهم است که به یاد داشته باشید. بسیار خوب، این یک نکته است. بسیار خوب، حالا وظیفه دوم دولت، تا جایی که به کالوین مربوط می‌شود، وظیفه دوم دولت یک وظیفه مذهبی بود.

دولت نیز یک وظیفه مذهبی دارد. این بخشی از دلیل بازگرداندن کالوین به ژنو است: کمک به دولت برای سر و سامان دادن به وظیفه مذهبی‌اش. اما در وظیفه مذهبی‌اش، قرار است دولت از کلیسا محافظت کند و مطمئن شود که کلیسا با کفرگویی یا توهین به مقدسات، هتک حرمت یا چیزهایی از این قبیل مورد تجاوز قرار نگیرد.

قرار است کلیسا را حفظ کند. از نظر کالوین، حتی تا آنجا که به آن مربوط می‌شود، ایجاد ساختار عمومی کلیسا نیز پیش رفته است. خوب، و چگونه ساختار عمومی کلیسا را ایجاد می‌کنید؟ شما این کار را با جمع‌آوری مالیات، ساختن ساختمان‌ها و استخدام کشیشان انجام می‌دهید.

بنابراین، و می‌دانید، بسیاری از کشورها در اروپا، کشورهایی در اروپا وجود دارند که هنوز مالیات را برای حمایت از کلیساهای عمومی، ساخت کلیساهای، استخدام کشیشان و غیره جمع‌آوری می‌کنند. بنابراین آن عملکرد عمومی بسیار مهم است. ما این کار را در آمریکا انجام نمی‌دهیم زیرا به دلایل زیادی جدایی کلیسا و دولت داریم.

اما ما جدایی کلیسا و دولت داریم، بنابراین در آمریکا کلیسا نمی‌سازیم و کشیش استخدام نمی‌کنیم و به کشیش‌ها حقوق نمی‌دهیم. اما در آن دنیا، کالوین احساس می‌کرد که این مهم است و این حتی به دنیای مدرن نیز منتقل شده است. هنوز کشورهایی در اروپا وجود دارند که برای ساخت کلیسا و پرداخت حقوق به کشیشان مالیات می‌گیرند.

حالا، ما در فرهنگ خودمان به این فکر نمی‌کنیم، اما این هنوز در اروپای غربی در بعضی جاها صادق است. خوب، تا جایی که به او مربوط می‌شود، این دو عملکرد بودند. خوب، شما به یک استراحت پنج ثانیه‌ای در روز دوشنبه نیاز دارید.

صبح دوشنبه، قلب‌هایتان را متبرک کن. هرچند می‌توانیم این کار را انجام دهیم. آیا کسی از شما دوشنبه صبح ساعت ۸ کلاس دارد؟ بله، روث، خدا تو را حفظ کند... می‌بینی، این خوب نیست؟ تو یک کلاس ساعت ۸ داری، یک کلاس ساعت ۹، ۱۰.

وقتی به کلیسا می‌روی، دو کلاس داشته‌ای. از این بابت خوشحال هستی. اما آره، ما عاشق... کسی دیگه کلاس ساعت ۸ دارد؟ کسی؟ نه؟ شماها، کلاس ساعت ۸ ندارید؟ باشه.

کلاس اول اینجا هستی؟ باشه، باشه. پنج ثانیه به خودت فرصت بده تا حرکات کششی انجام بدی، و استراحت و کشش. تد، آیا باید زمان استراحتمون رو تنظیم کنیم، یا می‌تونیم خودمون محاسبه‌شون کنیم؟ اشکالی نداره که این کار رو انجام بدیم.

متشکرم. از شما قدردانی می‌کنم. توضیح این که من به مردم، دانش‌آموزان، زمان استراحت می‌دهم، دشوار است.

خوب، حالت خوبه؟ باشه. حالا، یه نکته دیگه در مورد پادشاهی بشریت. کلی چیز وجود داشت که اون بهشون می‌گفت مقامات مدنی.

در زمان کالوین، ضابطان دادگستری، شاهزادگان، قضات، مأموران قانون و غیره وجود داشتند. اما در زمان کالوین، مقامات مدنی زیادی وجود داشتند. البته، اینها مقامات منتخب نبودند.

این دموکراسی‌ای که او در آن زندگی می‌کند نیست، آنطور که ما با دموکراسی آشنا هستیم. بنابراین، شما شاهزاده‌ها را انتخاب نمی‌کنید. آنها به این دلیل شاهزاده هستند که در خانواده‌هایی به دنیا آمده‌اند.

و این مناصب دیگر، می‌دانید، به افرادی مانند قضات و غیره داده می‌شود. اما این چیزی است که فکر می‌کنم می‌توانیم یاد بگیریم. او احساس کرد که کالوین هم همین حس را دارد؛ او احساس می‌کرد که این افراد جایگاه بسیار بالایی دارند.

و کالوین احساس می‌کرد که باید واقعاً به این افراد احترام گذاشت. باید به مقامات مدنی احترام گذاشت. و تا حد امکان، باید تشخیص داد که این افراد با مشیت الهی کار می‌کنند.

این افراد به خاطر مشیت الهی آنجا هستند. خداوند آنها را آنجا قرار داده است. و او آنها را آنجا قرار داده است تا کارهایی را که در مورد آنها صحبت کردیم انجام دهند، نظم عمومی را حفظ کنند و وظایف و مسئولیت‌های مذهبی را انجام دهند.

و اگر اتفاقاً، اگر اتفاقاً خودتان را تحت سلطه‌ی یک مرجع مدنی بیابید، که مثلاً خدا شما را حفظ کند، و کاری را که قرار است انجام دهد انجام ندهد، کالوین می‌گوید که باید اطاعت کنید و باید رنج بکشید. بنابراین اگر تحت سلطه‌ی یک مرجع مدنی هستید که خیلی بدجنس است، شاید یا چیزی شبیه به این، باز هم باید از آن مرجع اطاعت کنید و همچنان باید تحت سلطه‌ی آن مرجع رنج بکشید. درس‌هایی برای آموختن وجود دارد.

حالا کالوین روش عجیبی برای پایان دادن به «نهادها» دارد، چون در پایان «نهادها» می‌گوید، انتقام‌جویان از راه می‌رسند و از آن شخص مراقبت می‌کنند. اما من نمی‌دانم منظورش از این حرف چیست. خب، باشه.

خب، اما جایگاهی که او به سیاستمداران می‌دهد، اگر بخواهید از این اصطلاح استفاده کنید، به آنها جایگاه بسیار بالایی می‌دهد زیرا آنها به خواست خدا آنجا هستند. حالا، من کمی نگران جایگاهی هستم که به سیاستمداران می‌دهیم، زیرا آیا ما اغلب تمایل نداریم که سیاستمداران و افراد شاغل در خدمات عمومی را تحقیر کنیم؟ آیا تمایل نداریم؟ آیا اتفاقاً اینجا کسی هست که رشته مطالعات سیاسی داشته باشد؟ خب، آیا ما تمایل نداریم که آنها را تحقیر کنیم و مسخره‌شان کنیم و آنها را تحقیر کنیم، آن افراد شاغل در خدمات عمومی؟ خب، کالوین هیچ ارتباطی با این موضوع نداشت. کالوین احساس می‌کرد که آنها به خواست خدا آنجا هستند، بنابراین باید برای آنها احترام بسیار بالایی قائل باشید.

اما در روزگار ما، در عصر ما، فکر می‌کنم کمی متفاوت است. به هر حال، فکر می‌کنم شاید بتوانیم کمی از کالوین یاد بگیریم. بسیار خب، در اینجا فقط چند نکته دیگر در این مورد وجود دارد.

کالوین جنگ‌های عادلانه را مجاز می‌دانست. او جنگ‌های عادلانه را مجاز می‌دانست. او در اینجا یک آگوستینی خوب است.

او مانند آگوستین و لوتر باور دارد. او به دولت اجازه می‌دهد که خشونت کند. او جنگ‌های عادلانه را در صورتی که به معنای حفظ نظم عمومی باشد، مجاز می‌داند.

بنابراین، کالوین صلح طلب نبود. در آن زمان افراد دیگری هم بودند که صلح طلب بودند، اما کالوین صلح طلب نبود. بسیار خوب، و سپس فقط یک نکته نهایی که در مورد رابطه مان با دولت مدنی، دولت مدنی ذکر خواهیم کرد.

اگر قرار بود بین حکومت مدنی و قانون خدا یکی را انتخاب کنیم، و مسیحیان اولیه مجبور بودند آن انتخاب را انجام دهند، اگر چنین انتخابی باید انجام می شد، شما همیشه از قانون خدا پیروی می کردید. بنابراین، اگر اتفاقاً انتخابی وجود داشت، شما همیشه از قانون خدا پیروی می کردید، و سپس باید حاضر بودید به خاطر پیروی از قانون خدا رنج ببرید. اما این انتخابی نیست که باید انجام شود.

اگر آنها انتخابی را به شما تحمیل می کنند، چاره ای ندارید. شما همیشه از قانون خدا پیروی می کنید. اگر وجداناً احساس می کنید که نمی توانید از قانون مدنی پیروی کنید، این قانون همیشه بر قانون مدنی اولویت دارد.

بنابراین، دو پادشاهی به لطف خدا در هر دو پادشاهی زندگی می کنند. ما در پادشاهی آسمان زندگی می کنیم. کلیسا از نظر کالوین به این موضوع شهادت می دهد، اما ما نیز در این دنیای روزمره زندگی می کنیم و باید در این دنیای روزمره به عنوان شهروندان خوب عمل کنیم و تشخیص دهیم که همه این کارها به لطف خدا انجام می شود.

خب، این دکترین دو پادشاهی است. بیایید ببینیم آیا می توانیم چند دقیقه ای در مورد جان کالوین صحبت کنیم و سپس به سخنرانی بعدی می رویم. آیا در مورد زندگی کالوین، آثار کالوین، الهیات کالوین، چیزی در مورد همه این چیزهایی که با جان کالوین در موردشان صحبت کرده ایم، چیزی می دانید؟ او سعی دارد به کلیسای کاتولیک رومی قرون وسطی پاسخ دهد.

او سعی می کند به اصلاحات مذهبی که توسط افرادی مانند لوتر آغاز شد، وفادار بماند. او اغلب سعی می کند در بحث هایی که در طول اصلاحات مذهبی مطرح می شوند، موضع میانه را اتخاذ کند. اما آیا هنوز چیزی هست که برای شما در مورد کالوین مبهم باشد؟ شما به همه اینها اعتقاد دارید؟ شما به آنچه کالوین تعلیم داده است اعتقاد دارید؟ بنابراین، آیا این آموزه ها، آموزه های اصلی هستند؟ برای این دوره، اگر یک دوره کامل در مورد کالوین داشته باشیم، می توانیم به طور واضح به آنها عمیق تر بپردازیم.

اما برای این دوره، سعی می کنم آنهایی را انتخاب کنم که واقعاً با زمان او مطابقت دارند. و بنابراین فکر می کنم اینها آموزه های اصلی او هستند، اما آنها همچنین با زمان او مطابقت دارند، به کلیسای کاتولیک رومی پاسخ می دهند و غیره. به همین دلیل است که من به طور خاص اینها را انتخاب کرده ام.

این تمام آموزه های او را پوشش نمی دهد، اما نکات برجسته آموزه های اصلی او را به شما ارائه می دهد. و کتاب درسی که شما استفاده می کنید نیز این کار را انجام می دهد. هر چیزی در اینجا در مورد... او زمان زیادی را صرف بحث در مورد هر یک از این موارد در مؤسسات می کند.

اما چیز دیگه ای هست، کالوین؟ نه؟ جمعه حتماً سر صبحانه بیشتر در موردش صحبت می کنیم. جان کالوین باشه.

خب، اگر چیزی به ذهنتان رسید، به ما بگویید. قرار است به سخنرانی شماره سه بیاییم. حداقل می توانیم شروع کنیم.

سخنرانی سوم. و این سخنرانی پاسخ کلیسای کاتولیک روم به اصلاحات است. پاسخ کلیسای کاتولیک روم به اصلاحات.

باید پاوربونت را عوض کنم. این واکنش کلیسای کاتولیک رومی به اصلاحات، اغلب اصلاحات متقابل یا اصلاحات کاتولیک نامیده می‌شود. بنابراین این دو چیز مترادف هستند.

بهش می‌گن اصلاحات متقابل یا اصلاحات کاتولیک. خب؟ حالا، آگه یه نگاه سریع به طرح کلیات بندازی، کاری که قراره باهاش بکنم سه تا چیزه. فقط به تفتیش عقاید اشاره می‌کنم.

من قصد دارم به یسوعیان انجمن عیسی اشاره کنم. و سوم، قصد دارم به شورای ترنت اشاره کنم تا ببینم کلیسای کاتولیک رومی چگونه به اصلاحات واکنش نشان داد. بسیار خب.

خب، چرا این سه چیز را انتخاب کردم؟ و چطور قرار است این سه چیز را مدیریت کنم؟ کاری که من با این سه چیز انجام می‌دهم، حرکت از واکنش غریزی‌تر به اصلاحات توسط کاتولیک رومی، یعنی تفتیش عقاید، به واکنشی کمی سنجیده‌تر با تأسیس انجمن عیسی، و به واکنشی بسیار بسیار سنجیده‌تر، یعنی شورای ترنت است که ۱۸ سال طول کشید. خب، آیا این منطقی است؟ ما در حال حرکت از یک واکنش غریزی و نابودکننده پروتستان‌ها به سمت یک رویکرد قابل مدیریت‌تر، یعنی انجمن عیسی، و به یک دوره بسیار آرام‌تر ۱۸ ساله برای فهمیدن چگونگی واکنش به اصلاحات هستیم. بنابراین، این مسیری است که ما در پیش ۱۸ می‌گیریم.

خب، کاری که ما می‌کنیم اینه که اول به تفتیش عقاید می‌پردازیم. خب، تفتیش عقاید. اول بیایید تعریفی از تفتیش عقاید ارائه دهیم.

دادگاه تفتیش عقاید، دادگاهی است که توسط پاپ برای رسیدگی به بدعت تأسیس شده است. بنابراین تعریف تفتیش عقاید همین است. دادگاهی توسط پاپ برای رسیدگی به بدعت تأسیس شد.

اینگونه است که ما تفتیش عقاید را توصیف خواهیم کرد. بسیار خوب، حالا، این گرگوری نهم بود، و این زمان‌هایی است که او حکومت می‌کرد، یا پاپ ۱۲۲۷ تا ۱۲۴۱ بود. این گرگوری نهم بود که چیزی را که او کمیسیون تفتیش عقاید می‌نامید، تأسیس کرد.

خب، حالا اگر به آن تاریخ‌ها نگاه کنید، آن زمان مربوط به زمانی است که او پاپ بود. اگر فقط یک دقیقه به آن تاریخ‌ها نگاه کنید، می‌گویید، یک دقیقه صبر کنید، این مربوط به چند صد سال قبل از اصلاحات است قبل از وقوع اصلاحات، چه اتفاقی برای کمیسیون تفتیش عقاید افتاده است؟ خب، در واقع، یک دوره پیش از اصلاحات در جریان بوده است.

اصلاحات مذهبی با مارتین لوتر شروع نشد. با کالوین هم شروع نشد. یک دوره پیش از اصلاحات مذهبی در جریان بود و اتفاقات زیادی در کلیسای کاتولیک روم رخ می‌داد که پاپ از آنها بسیار بسیار ناراضی بود زیرا احساس می‌کرد که این اتفاقات، کلیسای کاتولیک روم را به چالش می‌کشد.

بنابراین، گرگوری نهم تصمیم گرفت که من یک کمیسیون تفتیش عقاید تشکیل دهم و آنها را برای مقابله با بدعت گذاری منصوب کنم. بنابراین، شما در حال حاضر بدعت گذاری را در اطراف خود دارید، یا باید بگویم، شما در حال حاضر آنچه را که او بدعت می‌دانست، در اطراف خود دارید. بنابراین، این کمیسیون به قبل از زمانی که ما در مورد آن صحبت می‌کنیم، به قبل از اصلاحات مذهبی مربوط می‌شود.

باشه. خیلی خب. حالا، بذارید روششون رو بهتون بگم، روشی که این افراد استفاده می‌کردن وقتی که رفتن تا بفهمن آیا مرتهایی تو شهر هستن یا نه.

روش کمیسیون تفتیش عقاید این بود. سه بخش یا سه جنبه داشت. بنابراین، کمیسیون تفتیش عقاید به شهر شما می‌آمد.

بسیار خوب. اولین کاری که آنها انجام می‌دادند این بود که همه مردم شهر را دور هم جمع می‌کردند. نوعی مجلس رسمی تشکیل می‌شد که همه را دور هم جمع می‌کرد.

بسیار خوب. و در آن مجلس رسمی، به نوعی، آنها می‌گویند، ما می‌دانیم که در این شهر مرتد وجود دارد. بنابراین، به شما فرصت می‌دهیم تا اعتراف کنید که مرتد هستید.

و اگر همین الان، همین جا، همین الان اعتراف کنی، مجازاتت سبک خواهد بود. خب، این کار چند هفته، دو سه، چهار هفته طول کشید. اما این اولین قدم کمیسیون تفتیش عقاید برای شروع است.

و کاری که کرد، البته، باعث شد ترس توی دل همه توی شهر بیفته. خب، باشه. باشه.

بعد، قدم دوم. قدم دوم این بود که در پایان آن دوره، یک جستجوی سیستماتیک در سراسر شهر انجام دهید. و سعی کنید با افرادی که آنها را مرتد می‌دانید، برخورد کنید. بسیار خب.

و این اتفاق کمی بعد رخ داد. ما نمی‌توانیم گرگوری نهم را به خاطر این اتفاق کاملاً سرزنش کنیم زیرا این اتفاق تا سال ۱۲۵۲ رخ نداد. اما در سال ۱۲۵۲، شکنجه اکنون مجاز بود.

بنابراین، همانطور که در شهر قدم می‌زنید و سعی می‌کنید بفهمید این مرتدان چه کسانی هستند، شکنجه توسط کلیسای کاتولیک روم مجاز بوده است. در واقع می‌توانید مردم را شکنجه دهید تا اعتراف کنند که مرتد هستند. بنابراین این نوعی مرحله دوم است.

و بعد تنها چیزی که نیاز دارید دو شاهد است که این شخص مرتد است، و این برای محکوم کردن آن شخص کافی است. پس این مرحله شماره دو است، واقعاً بفهمید مرتدان شهر چه کسانی هستند. خب، بسیار خب.

خب، این مرحله دومه. خب، حالا مرحله سوم تحویل دادن مرتدان به دولته.

آیا کلیسا قرار است مرتدان را در آتش بسوزاند؟ نه، این وظیفه کلیسا نیست. این وظیفه دولت است که مرتدان را در آتش بسوزاند، زیرا وظیفه دولت محافظت از زندگی عمومی است، می‌دانید، و مرتدان تهدیدی برای زندگی عمومی هستند. بنابراین شما مرتدان را به مقامات دولتی تحویل می‌دهید، و مقامات دولتی یکی از دو کار را انجام می‌دهند.

یا آنها را در آتش می‌سوزانند، همانطور که دیدیم سروتوس چند صد سال بعد در ژنو در آتش سوزانده شد، یا اینکه آنها را مرتد اعلام می‌کردند اما انواع دیگری از مجازات، مانند کتک زدن و غیره، کتک زدن در ملاء عام، برایشان در نظر می‌گرفتند. بنابراین دو چیز وجود دارد، دو راه برای انجام این کار وجود دارد. اما این روش، روش دادگاه‌های تفتیش عقاید شد.

خب، این خیلی خیلی مهم شد. خیلی خب، حالا اجازه دهید فقط اشاره کنم که احتمالاً برای آمدن کلمنت هفتم وقت نخواهم داشت، و این تاریخ‌هایی است که کلمنت هفتم پاپ بود. فقط اجازه دهید از کلمنت هفتم نام ببرم، و بعد می‌خواهم چند اعلامیه بدهم، اما کلمنت هفتم از راه می‌رسد.

به تاریخ‌های او در مقایسه با گرگوری نهم توجه کنید. ما داریم درباره چند صد سال بعد، تقریباً ۳۰۰ سال بعد، صحبت می‌کنیم. اتفاقی که افتاد این بود که کلمنت هفتم از راه رسید و دادگاه‌های تفتیش عقاید از رونق افتادند.

تفتیش عقاید در آن ۳۰۰ سال از بین رفته بود. اما توجه کنید که وقتی کلمنت هفتم از راه می‌رسد، در دوران اصلاحات مذهبی از راه می‌رسد. بنابراین، کلمنت هفتم تفتیش عقاید را از سر می‌گیرد.

او به نوعی تفتیش عقاید را دوباره زنده می‌کند. و ما قرار است چهارشنبه در مورد آن صحبت کنیم. متشکرم.

من دکتر راجر گرین هستم در درس تاریخ کلیسا، اصلاحات تا به امروز. این جلسه ششم در مورد الهیات کالوین است.